

## فصل چهل و پنجم

# برکت و لعنت

پس از اعدام آخان یوشع مردان جنگی را آماده کرد و دو باره بر علیه آئی حمله کردند و بزودی با قدرت الهی شهر را بتصرف آوردند. عملیات نظامی را کنار گذاشتند تا تمام اسرائیل در خدمت روحانی سهیم باشند. مردم خیلی ذوق داشتند در یکجا ساکن شوند چون هنوز خانه و زمین برای خانواده هایشان نداشتند و قبل از اینکه آن مزایا را اخذ نمایند باید کنعانیان را اخراج کنند. و اما انجام این وظیفه نیز باید عقب بیندازند زیرا که وظیفه بزرگتری توجه آنان را جلب کرد. قبل از تصاحب میراثی خود باید عهد وفاداری خود را نسبت به خداوند تجدید کنند. در آخرین وصیت موسی احتیاج جمع آوری اسباط اسرائیل در کوه جرزیم و کوه عیبال که در منطقه شکیم قرار داشتند برای تأیید شریعت خدا دو دفعه تکرار شده بود. مطابق این دستور تمام جمعیت، نه فقط مرد بلکه تمام جماعت اسرائیل با زنان و اطفال و

غریبانی که در میان ایشان میرفتند" (۱\یوشع ۸:۳۵) اردوگاه خود را در جلجال ترک کرده از زمینهای دشمنانشان پیاده روی کردند تا به وادی شکیم در وسط کشور رسیدند. اگر چه با دشمنان قوی محاصره بودند تا موقعی که امین ماندند تحت حفاظت خداوند سفر را به امنیت گذرانیدند. حالا همچون ایام یعقوب "خوف خدا بر شهرهای گرداگرد ایشان بود که بنی یعقوب را تعاقب نکردند(۲\پیدایش ۳۵:۵) و عبرانیان آزرده نشدند.

مکانی که برای این تشریفات مقدس انتخاب شده بود در تاریخ اجدادشان مقام مهمی داشت. در همینجا بود که ابراهیم پس از کوچ کردن به زمین کنعان اولین مذبح را برای گذرانیدن قربانی به بیهوه برپا نمود. هم ابراهیم و هم یعقوب در اینجا خیمه زده بودند. مزاری که یعقوب برای بدن یوسف خریده بود در اینجا بود. چاهی که یعقوب (۵۰۰) کنده بود و درخت بلوطی که بت های خانواده اش را زیر آن خاک کرده بود در همین محل بود.

جائی که انتخاب شده بود یکی از زیباترین مناطق تمام فلسطین بود و لیاقت برگزاری جشن باشکوهی که می خواستند انجام دهند داشت.

کشتزارهای سبز و خرم با باغهای زیتون و جویهای آب فراوان و چشمه های احیا کننده و گل‌های معطر درهٔ بین دو کوه را جای بسیار مطلوبی گردانید. بین عیال و جرزیم که در هر دو طرف دره قرار داشتند فاصلهٔ زیادی نبود و پایهٔ هر دو منبرمانندی بودند که حرفهائی که از یکی گفته می شد به آسانی در دیگری شنیده میشد و دشت بین این دو گوه محل اجتماع قوم اسرائیل بود.

طبق دستوری که موسی داده بود برجی بزرگ از سنگ روی کوه عیال بنا کردند. سنگهای این برج را گچ مالیدند و نه تنها احکام دهگانه را بلکه کلیه اوامری که بموسی سپرده گردید و در کتابی نوشته شد روی آن منقوش گردید. در کنار آن برج مذبحی از سنگهای نتراشیده بنا کردند و قربانی به خداوند روی آنها گذرانیدند. مذبح را روی کوه عیال گذاشتند یعنی کوهی که ملعون شد تا مردم بدانند به علت سرپیچی از احکام خداوند اسرائیل لعنت خدا را جلب کرده بود و الا بکفارهٔ مسیح که نشان آن مذبح بود تحت جرم خدا باید زندگی کنند.

شش تا از اسباط اسرائیل که نوادگان لیه و راهیل بودند بر کوه جرزیم ایستادند و نوادگان کنیزان یعقوب همراه با رثوبن و زبولون روی

کوه عیال ایستادند. کاهنان با تابوت عهد در درهٔ میان دو کوه قرار گرفتند. صدای شیپور سکوت را اعلان کرد و در حضور جمع کثیر یوشع از کنار تابوت عهد برکاتی که در نتیجهٔ اطاعت از فرامین خدا حاصل می شود خواند. اسباط حاضر در کوه جرزیم جمعاً آمین" جواب دادند. سپس لعنتها را خواند و اسباط روی کوه عیال جمعاً جواب آمین" دادند. بدین ترتیب هزاران هزار مثل مرد واحد رضایت خود را نشان دادند. پس از این شریعت خدا را و اوامر و داوریهای که به موسی سرزده شده بود بصدای بلند خوانده شد.

بنی اسرائیل شریعت را که در کوه سینا مستقیماً از دهان خدا پذیرفته بودند و مقررات مقدس آن که مکتوب بدست خدا بود هنوز در تابوت ذخیره شده بود. اکنون (۵۰۳) رونوشتی از آن جائی منقوش گردید که همه بتوانند بخوانند. همه امتیاز درک شرائط اقامت در کنعان را داشتند. اکنون همه توانستند مندرجات شریعت را قبول کنند و نتیجهٔ اطاعت یا رد آن را بسنجند. شریعت را نه فقط بر سخره های فوق الذکر نوشتند، یوشع آنان را به سمع تمام جماعت تکرار کرد. چند هفته قبل موسی تمامی صفر تثبیه را در گوش مردم خوانده بود و حالا یوشع آن را

دوباره خواند.

نه تنها مردان اسرائیل بلکه تمام زنان و کودکان نیز خواندن شریعت را گوش دادند، زیرا که لازم بود آنان نیز وظیفه خود را بدانند. خداوند امر فرموده بود: "پس این سخنان مرا در دل و جان خود جا دهید و آنها را بر دستهای خود برای علامت ببندید و در میان چشمان شما عصابه باشد و آنها را به پسران خود تعلیم دهید و حین نشستنت در خانه خود و رفتنت براه و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نمائید و آنها را بر باهوهای در خانه خود و بر دروازه‌های خود بنویسید تا ایام شما و ایام پسران شما بر زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورد که بایشان بدهد کثیر شود مثل ایام افلاک بر بالای زمین" (۳\تنبیه ۲۱:۱۸).

شیطان برای تکذیب کلام خداوند فریب مردم در درک وظیفه خود می‌کوشد و بهمین دلیل است که خداوند خواسته‌های خود را آنقدر بطور واضح و آشکار بیان میکند تا کسی عذری نداشته باشد. خداوند دائماً مردم را زیر سایه حفاظت خود جذب می‌کند مبادا شیطان با فریب اهریمنی در آغوش آنان توفیق حاصل کند. خداوند وسایای زنده

را با صدای خودش بسمع مردم و (۵۰۴) بازگشت خودش برای خواندن بشر ارزانی داشت. این حرفهای مبارک مملو از حیات و منور به حقیقت به عنوان هادی کامل در اختیار بشر نهاده شدند چون شیطان همواره حاضر است مغز مردم را برباید و علاقه دل را از وعده های خداوند برگرداند. ما باید بیشتر در حفظ آنان کوشا باشیم و اوامر خدا را در دل خود بگنجانیم.

معلمین دین باید توجه بیشتری به تعلیم مردم در حقایق تاریخ کتاب مقدس و هشدارها و مقررات خداوند مبذول دارند. این تعلیمات باید بزبان ساده و مناسب به بچه ها انجام شود. وعاظ و والدین هر دو باید فرزندان و جوانان را در امور روحانی تربیت کنند.

والدین باید علاقه بچه هایشان را در علوم مختلف صفحات مقدس تشویق کنند. ولی اگر بنا باشد بچه های خود را در امور دینی تعلیم دهند باید خود والدین در آن وارد باشند. باید اطلاعات کاملی از آن داشته باشند و طبق فرمان خدا آنها را به پسران خود تعلیم دهید و حین نشستنت در خانه خود و رفتنت به راه و وقت خوابیدن و برخاستنت از آنها گفتگو نمائید<sup>(۱۵)</sup> (تثنیه ۱۱:۱۹) \* کسانی که میخواهند بچه هایشان

خدا را محبت و خدمت کنند باید از الطاف و مجد و قدرت او که در کلام وی و کارهای مخلوق وی ظاهر شده است صحبت کنند.

هر باب و هر آیه از کتاب مقدس مژده ایست از خداوند. اصول آن را باید مانند علائم بر دستها و علامتی بین چشمان خود ببندیم. اگر آنها را خوانده اطاعت کنیم قوم ایمانداران را همانند بنی اسرائیل که توسط ستون ابر در روز و ستون آتش در شب هدایت می کرد ما را نیز هدایت خواهد نمود.